

اشتباهاتی که کتاب الکترونیکی ات را به مرز نابودی می کشاند

راهنمای کامل نوشتن کتاب الکترونیک



نویسنده: زهرا شابیکی

www.copywritersho.com

فهرست

2	مقدمه
8	چه چیزی کتاب های الکترونیک را به یک افتضاح شرم آور تبدیل می کند؟
8	اشتباهات قبل از نوشتن: چطور قبل از نوشتن، کتاب مان را به یک افتضاح تبدیل کنیم؟
12	اشتباهات نوشتن : چطور وقت تلف کنیم، تمرکزمان را از دست بدهیم و قید کتاب نوشتن را بزنیم؟
14	اشتباهات ویرایش: چطور یک پیش نویس خوب را نابود کنیم؟
18	اشتباهات انتشار: چطور مطمئن شویم که کتاب الکترونیکی مان فوراً شکست می خورد؟

Copywriter Sho

مقدمه

معمولاً هر کسی که وارد دنیای کسب و کار اینترنتی میشود، دچار تب نوشتن کتاب الکترونیکی هم خواهد شد.

مثل خود من...

البته خودم را بابت این موضوع سرزنش نمی کنم. نوشتن کتاب الکترونیکی، برای هر کسی وسوسه انگیز است.

تصور اینکه خودت یک کتاب بنویسی، زیر عنوان کتاب اسمت را ببینی، از یک بلاگر ساده، به یک نویسنده تبدیل شوی.... این ها همه حس غروری را در دلت به وجود می آورد که کمتر کسی می تواند در مقابل وسوسه اش مقاومت کند.

اهمیت این مساله زمانی بیشتر می شود که می بینی نوشته های وبلاگت گذرا هستند، اما یک کتاب ماندگار است.

اما اهمیت نوشتن کتاب الکترونیک تنها به خاطر این جذابیت ها نیست.

نوشتن کتاب الکترونیکی در واقع یک حرکت هوشمندانه است.

میدانی چرا؟

به دو دلیل

دلیل اول اینکه؛ اگر بتوانی یک کتاب الکترونیک ارزشمند بنویسی، می توانی از آن به عنوان یک

مشوق عالی برای عضویت افراد جدید در لیست ایمیلی ات استفاده کنی.

واقعیت تلخی که همه ی ما در تهیه لیست ایمیلی با آن مواجه شده ایم این است که، مخاطبان تمایلی به ارسال ایمیل خود ندارند.

هجوم بی رحمانه ایمیل های تبلیغاتی کاری با مخاطب کرده که از اینکه بخواهد ایمیلش را وارد کند می ترسد.

شاید حوصله این را ندارد که هر روز صبح در میان انبوه ایمیل های تبلیغاتی، دنبال ایمیل های ضروری و مهمش بگردد. به همین دلیل حتی اگر محتوای تو را دوست داشته باشد، ایمیلش را به این راحتی در اختیار نمی گذارد.

او نیاز به یک انگیزه قوی تر دارد تا ایمیلش را وارد کند. می توانیم اسمش را رشوه بگذاریم. رشوه ای که مخاطب نتواند در مقابلش مقاومت کند و بلافاصله ایمیلش را وارد کند.

یک کتاب الکترونیکی که محتوای ارزشمندی را ارائه دهد، می تواند پیشنهاد خوبی در مقابل دریافت ایمیل باشد.

اما یادت باشد با ایمیلی که دریافت می کنی کاری نکنی که مخاطب از کرده اش پشیمان شود. آنچه در ایران به اسم ایمیل مارکتینگ انجام می شود، چیزی نیست که مخاطب را شیفته ی تو کند. پس اگر هنوز لیست ایمیلی ات با روند کندی جلو می رود، مثلاً در بهترین حالت یک یا دو ثبت نام در هفته، وقت آن است که این روش را امتحان کنی.

البته ممکن است بخواهی کتاب الکترونیک ات را برای فروش بنویسی، که آن هم خوبی های خودش را دارد.

اما اگر این اطلاعات را رایگان در اختیار مخاطب قرار دهی بهبود چشمگیری در نرخ ثبت نام مشاهده خواهی کرد.

دلیل دوم اینکه؛ یک کتاب الکترونیکی، تو را در مقام یک کارشناس در حوزه خودت قرار می دهد. اگر می خواهی اسم و رسمی در حوزه خودت به دست بیاوری، نوشتن یک کتاب الکترونیکی یک روش خوب برای افزایش اعتبار و اقتدار توست.

از آنجا که اعتبار کتاب نسبت به یک مقاله، بیشتر است، نویسنده ی آن هم از اعتبار بیشتری برخوردار خواهد شد.

فکر می کنم این دلایل برای اینکه تصمیم به نوشتن یک کتاب الکترونیک بگیری، کافی باشد.

اما عجله نکن. نمی خواهد همین الان کاغذ و قلم را برداری و کتابت را بنویسی!

چون من دو خبر ناراحت کننده هم راجع به کتاب های الکترونیک دارم:

اول اینکه نوشتن کتاب الکترونیک به این سادگی ها که فکر می کنی نیست!

کارهای اصلی که برای نوشتن یک کتاب الکترونیک باید انجام دهی، درست مانند یک کتاب چاپی است.

با این تفاوت که تو پشتیبانی و حمایت ناشر را هم نداری. همه چیز به عهده ی خودت است.

تو هم نویسنده ای، هم ناشر و هم فروشنده!!

دوم اینکه یک کتاب همان قدر که ماندگار است، تاثیرات نگارش بد آن هم، ماندگار خواهد بود!

اگر کتاب بدی بنویسی این کتاب تمام اعتبارت را نابود خواهد کرد.

چه بسا کسانی که به خاطر نوشتن کتاب های بد (نمی گویم افتضاح و وحشتناک) تمام اعتبارشان را از

دست داده اند. تو که نمی خواهی اعتباری که برای ذره ذره اش زحمت کشیده ای یک شبه نابود

شود؟؟؟

با این حال، اگر هنوز هم برای نوشتن کتاب الکترونیک مشتاقی، تا انتهای این کتاب با من همراه باش.

در این کتاب با اشتباهاتی که در نوشتن کتاب الکترونیک برایت دردسر ساز خواهد شد آشنا می شوی،

تا با اجتناب از آن ها یک کتاب عالی بنویسی

در واقع دلیل اینکه تصمیم به نوشتن این کتاب گرفتم، این بود که می دیدم اکثر صاحبان کسب و کارهای

اینترنتی، دچار وسوسه ی نوشتن کتاب می شوند. وسوسه ای که ممکن است به قیمت از بین رفتن اعتبارشان

تمام شود.

خودم مدت ها بود تصمیم داشتم کتاب الکترونیکی بنویسم. اما چون از عواقب نوشتن یک کتاب بد آگاه بودم، به

خودم اجازه این کار را نمی دادم. اما در مقابل بدی هایی از نوشتن کتاب الکترونیکی شنیده بودم، مزیت هایی هم

بود که همیشه وسوسه ام میکرد که این کار را انجام دهم.

برای همین تصمیم گرفتم قبل از اینکه بخوام کتاب الکترونیک بنویسم، همه چیز را راجع به آن یاد بگیرم. این

طوری حداقل با ریسک کمتری رو به رو می شدم.

این تلاش ها برای یادگیری، باعث شد تصمیم بگیرم اولین کتاب الکترونیکی ام آموزشی در زمینه نوشتن کتاب الکترونیک باشد.

این کتاب هدیه ای است به تمام کسانی که دوست دارند کتاب الکترونیک بنویسند.

امیدوارم از خواندن این کتاب همانقدر لذت ببری که من از نوشتنش برای تو لذت بردم!

چه چیزی کتاب های الکترونیک را به یک افتضاح شرم آور تبدیل می کند؟

دلیل این که خیلی از کتاب های الکترونیک به یک اثر نابودکننده برای نویسندگان شان تبدیل می شوند، اشتباهاتی است که نویسندگان این کتاب ها مرتکب می شوند.

این اشتباهات شامل چهار دسته است:

• اشتباهات قبل از نوشتن

• اشتباهات نوشتن

• اشتباهات ویرایش

• اشتباهات انتشار

اگر از این اشتباهات اجتناب کنی، شک ندارم کتاب الکترونیکی ات اثرگذارترین کتاب در حوزه ی خودت خواهد شد.

اشتباهات قبل از نوشتن: چطور قبل از نوشتن، کتاب مان را به یک افتضاح تبدیل کنیم؟

برخی از اشتباهات حتی قبل ازاینکه شروع به نوشتن بکنی می تواند کتاب الکترونیک تو را به ورطه ی نابودی بکشد. بنابر این اگر میخواهی در دام نیفتی از اشتباهات زیر اجتناب کن:

• اشتباه اول: انتخاب موضوعی که اطلاعات کمی درباره اش داری.

زمانی که میخواهی اولین کتاب الکترونیک ات را بنویسی ممکن است وسوسه شوی که در مورد یک موضوع داغ و جدید بنویسی. شاید تصور می کنی برای اینکه بتوانی توجه مخاطب را جلب کنی، باید یک موضوع خیلی جدید و نوظهور را انتخاب کنی.

اما این دیدگاه در مورد انتخاب موضوع کاملاً اشتباه است.

نوشتن یک کتاب نیاز به دانش فراوان راجع به آن موضوع دارد.

اگر در مورد موضوع اطلاعات کمی داشته باشی یا هیچ چیزی از موضوعی که انتخاب می کنی ندانی، کارت برای نوشتن بسیار سخت خواهد شد.

باید کلی تحقیق انجام بدهی و خودت در مورد موضوع آموزش ببینی . این کار به زمان زیادی نیاز دارد.

بهتر است به جای انتخاب موضوعی که شناختی از آن نداری، موضوعی را انتخاب کنی که در موردش می دانی.

این تقریباً به این معنی است که موضوعی که برای کتاب انتخاب می کنی بهتر است با موضوع اصلی وب سایت مرتبط باشد.

اینطوری نه تنها در زمانی که برای تحقیق لازم بود، صرفه جویی می کنی، بلکه مخاطبان آماده ای برای خواندن نوشته ات خواهی داشت.

• اشتباه دوم : در مورد چیزی بنویس که مخاطبت نیاز دارد

اگر بدانی مخاطبانت واقعاً به چه چیزی نیاز دارند، خیلی عالیست. چون می توانی کتابی بنویسی که واقعاً به آن ها کمک کند.

اما واقعیت این است که مردم همیشه نمی دانند چه چیزی نیاز دارند.

زمانی که مردم خودشان دقیقاً نمی دانند به چه چیزی نیاز دارند، پس احساس تو هم نسبت به نیاز آن ها ممکن است کاملاً اشتباه باشد.

به جای این که دنبال نیاز مخاطب باشی، به مخاطبت چیزی را بده که آن را می خواهد.

برای این که تفاوت نیاز و چیزی که انسان ها می خواهند را بهتر درک کنی، اجازه بده با یک مثال توضیح دهم.

تصور کن فرزند پنج ساله ای داری. فرزندت گرسنه می شود و غذا می خواهد.

چه غذایی برایش آماده می کنی؟؟؟

چیزی را که بدن فرزندت به آن نیاز دارد، یا چیزی که آن را میخواهد؟
 با فرض این که تو کاملاً می دانی بدن یک کودک، به چه چیزهایی برای رشد و سلامتی نیاز دارد.
 مثلاً ممکن است تشخیص دهی که به فرزندت کلم بروکلی بدهی. چون منبع غنی ویتامین C و سرشار از کلسیم است.

اما اگر او از کلم بروکلی متنفر بود چه؟؟؟ اگر غذایی دیگری می خواست چه؟؟؟
 آیا می توانی او را متقاعد کنی بر اساس نیازش غذا بخورد، نه بر اساس چیزی که می خواهد؟
 در مورد مخاطب هم همین طور است. تو باید چیزی را در اختیارش بگذاری که مشتاقانه آن را می خواهد، نه چیزی که احساس می کنی به آن نیاز دارد.
 اما چطور؟

کافی است کمی تحقیق کنی. از مخاطبانت بخواه که بین سه یا چهار موضوع، یکی را انتخاب کنند.
 نتیجه ی این تحقیق و نظر سنجی چیزی است که مخاطبت می خواهد.

• اشتباه سوم: قلمت را بردار و نوشتن را شروع کن

بعد از اینکه موضوع را انتخاب کنی ممکن است، وسوسه شوی نوشتن را شروع کنی.
 اگر در این مرحله شروع به نوشتن کنی، با مشکلاتی مواجه خواهی شد. ممکن بعضی از مطالب را چند بار تکرار کنی. یک موضوع مهم را فراموش کنی. یا ترتیب بیان مطالب را رعایت نکنی.
 بلافاصله نوشتن را شروع کردن، یعنی حذف مهم ترین مرحله قبل از نوشتن.
 قبل از اینکه نوشتن را شروع کنی باید یک پلن دقیق از آنچه می خواهی بنویسی داشته باشی.
 به این معنی که یک طرح کامل و دقیق تهیه کن. حداقل کاری که باید بکنی این است که برای هر فصل یک عنوان در نظر بگیری.
 شاید به نظرت کار بی فایده و بیهوده ای بیاید. اما این کار باعث میشود، مراحل نوشتن برایت آسان تر شود.

البته منظورم این نیست، یک صفحه word ایجاد کنی، عنوان ها را قرار دهی و جاهای خالی را آماده کنی!!

فقط کافی است فصل ها را مشخص کنی و آن ها را جایی یادداشت کنی.
لطفأً به حافظه ات اعتماد نکن!! کم رنگ ترین جوهر ها از قوی ترین حافظه ها ماندگار ترند.

• اشتباه چهارم: تلاش برای ارزشمند کردن کتاب الکترونیکی

وقتی تصمیم می گیری اولین کتاب الکترونیکی ات را بنویسی، ایده ای که به ذهنت می آید این است:
"من باید کتابی بنویسم که کسی مشابه آن را ننوشته باشد.

یک کتاب جامع و کامل.

تنها چیزی که مخاطبانم به آن نیاز دارند".

اگر این ایده به نظرت عالی می آید بهتر است این سوال را از خودت بپرسی:

بعد از آن چه چیزی به آن ها بدهم؟

احتمالاً نمی خواهی فقط یک کتاب الکترونیک، بنویسی. حتماً بعدها کتاب های دیگری می نویسی.

مثلاً یک کتاب الکترونیکی رایگان ... یا یک کتاب الکترونیکی پیشرفته تر برای فروش!

باید بدانی که حتی اگر کتاب الکترونیکی را برای ایجاد انگیزه ی عضویت می نویسی، اگر به خواننده همه چیز را بدهی - هر چیزی که به آن نیاز دارد - دیگر مخاطب دلیلی برای برگشتن به سایت تو ندارد.

پس از بین مطالبی که می خواهی ارائه دهی، بر روی مطالبی که برای مخاطب مهم تر است تمرکز کن.

حتی اگر تعداد زیادی ایده جدید داری، آن ها را برای جای دیگری نگه دار. مثلاً برای کتاب بعدی یا

یک مقاله در سایت!

نگران این نباش که مطلب مهمی را بیان نکرده باشی. چون حتی اگر سهواً مطلب مهمی را بیان نکردی، بعد از اینکه از مخاطبانت بازخورد گرفتی، می توانی کتابت را به روز رسانی کنی و به آن موضوع اشاره کنی.

اشتباهات نوشتن: چطور وقت تلف کنیم، تمرکزمان را از دست بدهیم و قید کتاب نوشتن را بزنیم؟

برای خیلی از افراد نوشتن یک کار ساده است و برای خیلی های دیگر، یک کار سخت! احساس تو نسبت به نوشتن جزو هر دسته ای که هست، اشتباهات زیر می تواند به طور جدی جلوی فرآیند نوشتنت را بگیرد. حتی ممکن است به مرحله ای برسی که کلاً نا امید شوی و قید نوشتن کتاب را بزنی.

• اشتباه پنجم: نوشتن مقدمه در شروع

درست است که مقدمه اولین فصل از کتاب است. اما زمانی که می خواهی شروع به نوشتن کنی، نباید با مقدمه آغاز کنی. صادقانه بگویم، هیچ خواننده ای از مقدمه خوشش نمی آید. خواننده می خواهد مستقیم به محتوای اصلی شیرجه بزند.

با مقدمه شروع نکن. فصل های اصلی را بنویس. وقتی که کل فصل ها را نوشتی، متوجه خواهی شد باید چه چیزی را در مقدمه قرار دهی.

• اشتباه ششم: فقط زمانی بنویس که احساس می کنی دوست داری

واقعیت تلخی که وجود دارد این است که، اگر به طور مداوم نویسی هیچ حرکتی نخواهی کرد. ممکن است با چند ساعت نوشتن در روز شروع کنی. اما با دادن یک استراحت چند روزه به خودت، دیگر هرگز به کتاب الکترونیکی ات برنگردی.

البته هیچ اجباری وجود ندارد که خودت را موظف کنی در هربار هزار کلمه بنویسی.

اما خودت را مقید کن، هر هفته مثلاً یک فصل کوتاه بنویسی. طی چند هفته یا چند ماه کتابت به پایان می رسد.

هر روز یا چندین بار در طول هفته، برای کارکردن بر روی کتاب الکترونیکی ات زمان بگذار.

می توانی تکنیک POMODOR را امتحان کنی. بیست و پنج دقیقه بنویسی و پنج دقیقه استراحت کنی. این طوری می توانی از زمان های کوتاه بیشترین استفاده را ببری.

• **اشتباه هفتم: اجازه بده ویرایشگر داخلی تو را هدایت کند**

زمانی که نوشتن را شروع می کنی، بعد از مدتی می بینی مدام ذهنت، دوست دارد به عقب برگردد و ویرایش را شروع کند. ممکن است چند پاراگراف بنویسی. بعد تصمیمت عوض شود و همه را پاک کنی. یا برای ویرایش های جزئی در هر جمله متوقف شوی.

این ویرایشگر داخلی، یک تخریب جدی برای بهره وری تو به عنوان یک نویسنده خواهد بود. بهتر است جلوی آن را بگیری!

پس زمانی که تصمیمت در مورد یک یا چند پاراگراف عوض شد، آن را رها کن. فعلاً چیزی را حذف یا اضافه نکن. فقط در مورد آن یک یادداشت برای خودت بنویس.

اتفاق جالبی که ممکن است بیفتد این است که، وقتی بعداً متن را دوباره می خوانی، گاهی می بینی حضور آن پاراگراف چقدر هم خوب است.

• **اشتباه هشتم: درست قبل از اینکه آسان شود نوشتن را تمام کن**

بعد از اینکه هفته ها یا شاید ماه ها روی کتاب الکترونیکی ات کار می کنی، ممکن است ببینی نوشتن کتابت آن طور که می خواستی پیش نرفته است.

هر علتی مثل بیماری، حجم کاری و ... ممکن است باعث این شود که از برنامه ات عقب بیفتی.

ممکن است حتی موفق به نوشتن نصف پیش نویس هم نشده باشی.

زمانی که در این شرایط قرار می گیری، خیلی وسوسه میشوی که بیخیال نوشتن کتاب شوی.

برای اینکه ذهنت را با این موضوع درگیر نکنی، تصمیم می گیری کلاً قید نوشتن کتاب را بزنی.

اما این یک اشتباه بزرگ است.

اگر تا نیمه ی راه دوام بیاوری، دیگر بقیه مسیر برایت آسان خواهد بود.

مثل بالارفتن از کوه؛ تا زمانی که به قله برسی همه چیز سخت است. اما بعد از رسیدن به قله، پایین آمدن از کوه کار آسانی است.

من که کسی را نمی شناسم به خاطر پایین آمدن از کوه مدال گرفته باشد یا حتی شهرتی نصیبش شده باشد!

سعی کن خودت را ترغیب کنی. فقط کافیت خودت را تا رسیدن به نیمه راه هل دهی!

انگیزه ات برای شروع نوشتن کتاب را به خاطر بیاور! این کتاب قرار است چه کاری برای تو و وبلاگت

انجام دهد؟ چگونه به خوانندگان کمک می کند؟ چه قدر در شناخته شدن و اعتبارت نقش خواهد

داشت؟

اشتباهات ویرایش: چگونه یک پیش نویس خوب را نابود کنیم؟

اگرچه ممکن است اندازه ای که برای نوشتن کتاب وقت میگذاری، برای ویرایش وقت نگذاری، اما

ویرایش نقطه ای اصلی شکل گیری کتاب است.

ویرایش باعث تفاوت بین یک کتاب خوب و بهترین کتاب می شود.

دوری از اشتباهات زیر، باعث می شود که کتاب الکترونیکی ات تبدیل به شاهکاری شود که شایسته آن

است.

• اشتباه نهم: برای ویرایش زود دست به کار شو

درست است که ویرایش خیلی مهم است اما نیازی نیست برای ویرایش عجله کنی.

لطفاً جزو کسانی نباش که به محض نوشتن، خودکار قرمز در دستشان است تا دمار از روزگار اشتباهات

نوشته شان در بیاورند. کمی صبر کردن، قرار نیست زندگی کاری ات را خراب کند.

کتاب الکترونیکی ات را برای چند روز (ترجیحاً یک هفته کامل) فراموش کن. بگذار مدتی ذهنت، فارغ

از نوشته هایت باشد. سپس بعد از این مدت، شروع به بررسی و ویرایش کن.

مدتی که از نوشته هایت دور باشی، با دید تازه ای آن ها را می خوانی. تو دیگر نویسنده ی آن نوشته ها نیستی، تبدیل می شوی به خواننده آن ها!

و چه چیزی بهتر از اینکه بفهمی، خواننده چطور نوشته های تو را می خواند؟!!

چیزهایی که خوب است را می بینی و چیزهایی که نیاز به تغییر دارد هم به راحتی قابل تشخیص خواهد بود.

اگر می خواهی این موضوع را خوب درک کنی، کافی است به یکی از مقالات سایتت که چند هفته ی گذشته نوشته ای برگردی و آن را بخوانی!

• اشتباه دهم: بهترین کارت را در آتش بینداز

یکی از خطاهایی که ممکن است زمان ویرایش کتاب الکترونیک (یا هر نوشته دیگری) انجام دهی، این است که ویرایش را در همان فایل پیش نویس انجام دهی.

البته این موضوع همیشه مشکل ساز نیست. اما واقعاً نا امید کننده است که چیزی که را که بعداً به آن نیاز داری، حذف کرده باشی.

پس برای هر پیش نویس یک نسخه جدید ایجاد کن. مرتب از جدیدترین نسخه ها، نسخه پشتیبان تهیه کن. می توانی هر چند وقت یک بار، آخرین نسخه را به ایمیلت ببری.

• اشتباه یازدهم: بررسی با میکروسکوپ به جای تلسکوپ

اگر به دنبال اشتباهات کوچک، ویرایش را شروع کنی مسائل مهم تر را از دست خواهی داد.

با تمرکز بر روی جزئیات، ممکن است متوجه مشکلات اصلی کتاب ات نشوی.

بهترین کار این است که قبل از ویرایش، کل کتاب را به صورت pdf چاپ کنی، یا آن را در تبلت بخوانی.

این کار برای این است که، نتوانی به راحتی دست به ویرایش بزنی. علاوه بر این، یک دید کلی تر نسبت به مشکلات کتاب پیدا خواهی کرد.

هر چیزی که نیاز است تغییر دهی، مثل ترتیب اشتباه فصل ها، اطلاعات تکراری، چیز هایی که باید حذف شوند و بخش هایی که باید اضافه شوند را، حتماً یادداشت کن.

• اشتباه دوازدهم: به خودت بگو به ویرایشگر نیاز نداری

ممکن است تو هم مثل خیلی از کسانی که برای اولین بار کتاب الکترونیک می نویسند، اهمیت ویرایش را جدی نگیری، یا از نظرت ویرایش کردن یک کار لوکس باشد، که از عهده ی هزینه اش برنمی آیی. واقعیت این است که حتی اگر نمی توانی هزینه ویرایش را پرداخت کنی، نباید خودت این کار را انجام دهی. پس در صورت امکان هزینه ای را برای ویرایش چند فصل اول کتاب در نظر بگیر. بسیاری از مشکلاتی که ویراستار در فصل های اول پیدا می کند، احتمالاً در سرتاسر کتابت هم دیده می شود. می توانی بقیه فصل ها را مطابق با آن ویرایش کنی. یا اینکه از افراد داوطلب برای ویرایش کمک بگیر؛ مثل خوانندگان سایت.

• اشتباه سیزدهم: استفاده از بدترین ویرایشگر جهان

زمانی که تغییرات عمده را انجام دادی و پیشنهادات ویراستاران را اعمال کردی، کتاب تقریباً کامل است. اما قبل از اینکه آماده انتشار شود، باید حداقل یک بار کامل آن را بخوانی تا هر گونه اشتباه و خطایی که باقی مانده ببینی. بی شک در این شرایط بدترین فرد برای پیدا کردن خطاها، خودت خواهی بود. چون تو با محتوا و طرح کلی نوشته ات تا حد زیادی آشنا هستی. این باعث می شود، خطاهایی را از دست بدهی که دیگران به وضوح آن را می بینند. اگر بتوانی از یک متخصص حرفه ای یا یک دوست که در این زمینه استعداد دارد کمک بگیری خیلی عالی است.

اما اگر به هر دلیلی مجبور هستی که خودت این کار را انجام دهی، فقط این راز می تواند به تو کمک

کند که دچار اشتباه نشوی:

" کتاب الکترونیکی ات را در محلی که آن را نوشته ای ویرایش نکن."

نوشته ات را چاپ کن یا در تبلت بخوان. سبک و اندازه فونت را تغییر بده.

وقتی این کار را می کنی، از دیدن اشتباهاتی که تا قبل از آن نمی دیدی، حیرت زده خواهی شد.

حتماً برای تو هم پیش آمده که بلافاصله بعد از اینکه مقاله ای را در سایت منتشر کردی، متوجه

اشتباهی شدی که تا قبل از آن، به هیچ وجه آن را نمی دیدی.

• اشتباه چهاردهم: کمال گرا باش

کیفیت مهم است . اما اگر روی ویرایش چندم هستی و ده دقیقه طول می کشد که فکر کنی فلان جا ویرگول می خواهد یا نه، در واقع داری وقتت را هدر می دهی. حتی بهترین کتاب های انتشارات بزرگ دنیا هم گاهی اشتباه دارند. اما ممکن است هرگز متوجه آن ها نشوی. زیرا (مانند همه ی خواننده ها) روی هر کلمه توقف نمی کنی و دقیق نیستی.

برای اینکه در دام کمال گرایی گرفتار نشوی، به خودت یک زمان مشخص برای اتمام ویرایش بده.

قبول کن که برطرف کردن 99 درصد اشتباهات کافی است.

بیش از حد حساس نباش. ممکن است هنوز خطایی وجود داشته باشد. خواننده ها احتمالاً متوجه نخواهند شد.

اما اگر درست بعد از منتشر کردن کتاب، متوجه اشتباهی شدی، می توانی آن را به روز رسانی کنی.

اشتباهات انتشار: چطور مطمئن شویم که کتاب الکترونیکی مان فوراً شکست می خورد؟

طرحی برای نوشتن کتاب آماده می کنی. یک کتاب الکترونیک خیلی ارزشمند می نویسی. آن را ویرایش می کنی. اما تا زمانی که کتاب را منتشر نکنی، نتایجی که انتظارش را داشته ای به دست نخواهی آورد. اجتناب از اشتباهات زیر، کمک می کند تا شانس موفقیت کتابت را افزایش دهی.

- اشتباه پانزدهم: از اولین عنوانی که به ذهنت می رسد، استفاده کن

درست مثل تیتتر صفحه محصول، عنوان یک کتاب الکترونیکی هم باید توجه مخاطب را به خود جلب کند.

زیرا این اولین و تنها چیزی است که مخاطب از کتاب الکترونیکی ات می بیند. نوشتن یک عنوان جذاب عامل خیلی مهمی در جذب مخاطب است.

- اشتباه شانزدهم: جلد کتاب را خودت طراحی کن

خوشت بیاید یا نه، هر کسی کتاب را با جلد آن قضاوت می کند.

حتی اگر یک طراح حرفه ای هستی، طراحی جلد توسط خودت اشتباه بزرگی است.

ممکن است کتابت آماتور به نظر بیاید و مخاطب آن را نخواهد. اما اگر واقعاً تمایل داری که این کار را خودت انجام دهی، تا حد امکان آن را ساده طراحی کن.

- اشتباه هفدهم: لینک دادن به وبلاگ را فراموش کن

کتاب الکترونیکی که می نویسی، ممکن است اولین ارتباط تو با خواننده باشد. پس نیاز است به مخاطب اطلاعاتی در مورد اینکه کجا می تواند تو را پیدا کند بدهی.

اطینان پیدا کن که آن را به صفحه فرود لینک داده ای. این کار برای ارتباطات آینده تو با مخاطب مورد نیاز است.

نکته مهم دیگر اینکه، یک راه آسان برای اعلام نظرات خوانندگان فراهم کن.

مثل یک آدرس ایمیل اختصاصی یا لینک صفحه تماس!

همچنین تا جایی که می توانی محتوای کتاب را به مقالات سایت لینک بده.

• اشتباه هجدهم: نیازی به اثبات خوبی کتابت نیست!

تصور نکن که چون یک خواننده تو را می شناسد، لزوماً به خوب بودن کتابت هم ایمان دارد. تا زمانی

که نتوانی به مخاطب ثابت کنی کتابت خوب است، ممکن است برای دریافت آن ترغیب نشود.

مخاطب به ارزش آن اعتماد نخواهد کرد، مگر اینکه ببیند دیگران آن را خوانده اند و آن را مفید می

دانند؛ چه کتابت برای فروش باشد یا برای ترغیب عضویت!

کافی است نسخه های نظر سنجی را به افرادی در حوزه خودت یا مخاطبان سایت، که بیشتر نظر می

دهند، ارسال کنی.

بهتر است کار نظرسنجی را را قبل از لانچ کتاب انجام دهی. ترجیحاً چند هفته قبل، نسخه های بازبینی

را ارسال کن.

این کار به آن ها این فرصت را می دهد که کتاب را بخوانند، آن را بررسی کنند و نظراتشان را قبل از

لانچ کتاب اعلام نمایند.

حالا همه چیز درمورد نوشتن یک کتاب الکترونیک عالی می دانی.

تقویم را بردار. به هفته آینده نگاهی بینداز و یک روز را برای شروع انتخاب کن.

سپاسگزارم که تا این لحظه همراه من بودی.

خوشی و موفقیت را برای تک تک لحظه هایت آرزو می کنم.

محکم تر از همیشه قدم بردار، چون تو لایق هر آنچه به آن فکر می کنی هستی.

کلام آخر اینکه، اگر این کتاب را دوست داشتی، خوشحال می شوم که نظرت را به صورت ایمیل برایم ارسال کنی.

ایمیل شخصی من برای ارسال نظرات:

info@copywritersho.com

از طریق سایت زیر می توانی مقالات راجع به تبلیغ نویسی و دیجیتال مارکتینگ را بخوانی:

www.copywritersho.com

Zahra Shabeiky